

# Mansoor Hekmat Week

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پر بار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۲۱-۱۴ خرداد



بحث و گفتگو و بخش گوشه هایی از سخنرانیهای منصور حکمت

میز کتاب از آثار منصور حکمت

زمان: یکشنبه ۹ ژوئن ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: Bäckebolesängen 4 Hisingsbacka

حزب حکمتیست (خط رسمی)

تشکیلات گوتنبرگ

تلفن تماس: 0739241383

# حکمتیست ۲۵۸

۲۷ مه ۲۰۱۹ - ۶ خرداد ۱۳۹۸

دوشنبه ها منتشر میشود

## تحریم تجاری ایران \*

تحریم تجاری ایران توسط آمریکا، انگیزه های داخلی و بین المللی دولت آمریکا در اتخاذ این سیاست و تاثیرات آن بر جمهوری اسلامی در هفته های اخیر از جانب مفسران مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این میان چند نکته باید اینجا مشخصا مورد تاکید قرار بگیرد .

این سیاست آمریکا مستقل از تاثیراتش بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی، باید بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی محکوم شود. وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی مردم نتیجه محتوم این سیاست خواهد بود. برخلاف ادعاهای رایج، تحریم تجاری از جانب آمریکا حتی اگر اروپا و ژاپن و سایر قطبهای اقتصادی از آن تبعیت نکنند، تنگناهای واقعی برای اقتصاد ایران ایجاد میکند که قربانیان فوری آن نه رژیم اسلامی، بلکه توده وسیع مردم کارگر و کم درآمد در ایران خواهند بود .

این تصور که اعمال فشار بر مردم و به استیصال کشیدن آنها گامی در جهت سرنگونی رژیم اسلامی است، تصویری بیمارگونه و ضد اجتماعی است که فقط در چهارچوب تفکر فرقه ای جریانات حاشیه جامعه نظیر مجاهدین می گنجد. و این در شرایطی است که خود آمریکا نه فقط تغییر رژیم، بلکه حتی تغییر روش داخلی رژیم اسلامی در قبال مردم ایران را جزو اهداف سیاست تحریم تجاری ذکر نکرده است .

برخلاف برداشت اغلب مفسران رسانه ها، سیاست تحریم "وحدت ضد آمریکایی" در درون رژیم را تقویت



صفحه ۳

## واقعیات پشت چپ "تقوایستی"

ثریا شهابی



## راهی را که هفت تپه و فولاد آغاز کرد!

مظفر محمدی

معین دیگری بستگی دارد که نمونه ای از آن را در اعتصابات کارگری اخیر مشاهده کردیم. اعتصابات کارگری هفت تپه و فولاد و حمایت معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و چرخیدن سر جامعه به طرف طبقه کارگر، تصویر دیگری از مبارزه و اعتراض علیه فقر و فلاکت و گرسنگی بود.

صفحه ۲

این جنبش یک برآمد توده ای و عصبان و طغیان علیه گرسنگی بود. جنبشی که در تداوم خود ولو با فواصل معین اگر خودآگاه و سازمانیافته و دارای رهبری شود ، می تواند جمهوری اسلامی را به زباله دانی بریزد. اما پیروزی به معنای تحقق آزادی و برابری و کنار زدن نظام تبعیض و ستم و استثمار بورژوازی به فاکتورهای

بدون شک خیزش دیمه ۹۶ نقطه عطفی در مبارزات و اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی و فلاکتی که به جامعه تحمیل کرده است، بود. این جنبشی بود که بند نافش را با کلیت جمهوری اسلامی و جناحهایش (اصلاحات و اصولگرایی) برید. جنبشی که در ادامه ی جنبش سبز و یا توکل به بالا نبود.

# آزادی برابری حکومت کارگری

## راهی را که هفت تپه و

تصویری طبقاتی و اجتماعی که نوک حمله اش به نظم سرمایه دارانه و تبعیض و نابرابری ناشی از آن است.

این جنبش را نمی توان با ضدرژیمی گری صرف تعریف کرد. بخش پیشرو و سازمان یافته طبقه کارگر، مهر خود را بر اعتراضات و جنبش های اجتماعی با خواسته های معین خود، زد. بخش خودآگاه تر طبقه کارگر اگر چه در آغاز با خواست دریافت حقوق های معوقه به میدان آمد، اما در چهار چوب این خواست محدود نمانده و ایجاد شوراهای کارگری و مردمی را، هم بعنوان ابزار تحقق مطالبات اقتصادی و سیاسی و هم شکل قدرت طبقاتی کارگران و زحمتکشان اعلام کرد.

این اعتصابات یک ابراز وجود طبقاتی کارگران بود که بورژوازی حاکم را دستپاچه کرده و با تمام قوای نظامی و سیاسی و حکومتی به چاره جویی واداشت. بورژوازی این بار صراحتاً از کمونیسم در جنبش کارگری و خطر آن حرف زد و این احساس خطر را مخفی نکرد.

همچنین ابراز وجود صف مستقل و طبقاتی کارگران، تصویر و درسی به جامعه داد و توجه توده های محروم را به قدرت اجتماعی کارگران علیه ستم و سرکوب و تبعیض و فلاکت، جلب کرد.

در حالی که بعد از خیزش دیمه ۹۶ همه چشم ها به خیابان و خیزش های بی در پی و یکی پس از دیگری دوخته بود، اعتصابات کارگری اخیر این درس را به جامعه داد که، سنت کارگری و مبارزه طبقاتی فراتر و موثرتر از خیابان، در اعتصاب و ابراز وجود کارگران به مثابه یک طبقه است.

نشان داد که اعتصابات کارگری ابزار قدرتمند یک طبقه است که کمر بورژوازی را خم می کند. وقتی چرخ تولید ولو در یک کارخانه و مرکز بزرگ کارگری می خوابد، کابوسی است که خواب را بر سرمایه داران و حاکمانشان حرام می کند. تجمعات و اعتراضات و تظاهرات های خیابانی فقرا و زحمتکشان بدون پشتوانه ی قدرت نمایی طبقه کارگر و اعتصابات سراسری کارگری، می تواند ضربه پذیر بوده و سرکوب شود. اما رویارویی حاکمان سرمایه با اعتصابات کارگری، هزینه سنگینی برای حاکمان سرمایه به دنبال خواهد داشت. بویژه زمانی این اعتصابات سراسری و گسترده تر می شود، مطلقاً قارد به سرکوب آن نخواهند بود.

اقتدار زحمتکش و غیر کارگر و توده وسیع محرومان جامعه باید به قدرت طبقاتی کارگران توکل کرده و یک صدا و یک صف پشت این طبقه بایستند و از آن حمایت کنند.

اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد،

صفحه جدیدی در مبارزه طبقاتی و مبارزه و اعتراض زحمتکشان و محرومان گشوده است. این تجربه بزرگ کارگری را نباید فراموش کرد. نباید بعنوان موردی از موارد دیگر و مشابه هزاران اعتصاب کارگری دیگر در این چند دهه و یا مبارزه ی روتین بخشی از کارگران، نگاه کرد. در این اعتصابات بخش پیشرو طبقه کارگر بعنوان مدعی صاحب جامعه قد علم می کند و کل طبقه و زحمتکشان و محرومان را به اتحاد در شورا های کارگری و مردمی فرا می خواند.

الگوی مجامع عمومی و شورا های مردمی را بعنوان ابزار مبارزه و افق پیروزی زحمتکشان، پیش روی جامعه قرار می دهد.

تجارب و الگو و درس های این اعتصابات را باید مدام تکرار، تبلیغ و اهمیت و بزرگی جایگاه آن را به جامعه خاطر نشان کرد.

راهی را که هفت تپه و فولاد آغاز کرده اند، راه توقف ناپذیر و افق اعتصاب سراسری مزدبگیران جامعه را پیشا روی دارد.

نظام سرمایه داری ایران یا باید ازادی و معیشت و امنیت و رفاه جامعه را تامین کند و یا جایش به حاکمیت کارگران و زحمتکشان بدهد. راه سومی نیست!

اردیبهشت ۹۸ - مه ۲۰۱۹

## تحریم تجاری

نمیکند، جناح ضد غربی را در رژیم ایران قدرتمندتر نمیکند، و بر شدت تبلیغات ضد غربی رژیم اسلامی نمی افزاید. این واقعه شباهتی به ماجرای اشغال سفارت ندارد. آن دوران گذشته است. امروز این یک فشار واقعی روی جناح غربی و طرفدار آمریکا در حکومت است که تکلیف خود را هرچه سریعتر و به شیوه ای هرچه چشمگیرتر با جناح مخالف روشن کند. تاثیر این اقدام بر رژیم اسلامی تشدید اصطکاک میان جناح های حکومت در درون ایران، و جهت گیری جدی تر رژیم اسلامی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی به سوی کنار آمدن با آمریکا و دول غربی خواهد بود.

### منصور حکمت

اولین بار در تیر ۱۳۷۴، ژوئن ۱۹۹۵، در شماره ۱۸ انترناسیونال منتشر شد.

حکمتت را

توزیع و

پخش کنید

**امروز سرمایه داری بیش از هر زمان بی اعتبار شده است؛ اراجیف ضد کمونیستی بعد از سقوط بلوک شرق مدتهاست بایگانی شده اند و کسی را قانع و بفظ نمی کند؛ بردگی مزدی ممتوم نیست و کماکان تنها یک انقلاب کارگری قدرتمند میتواند ورق را به نفع بشریت برگرداند.**

## واقعیات پشت چپ "تقواییستی"

در فضای میدیای مجازی پلمیک داغی در میان فعالین چپ و کمونیست، در مورد خط فکری حمید تقوایی، در مورد ممنوعیت "مبارزه با اپوزیسیون در اپوزیسیون"، در دل مبارزات جاری، و همه با هم تا سرنگونی رژیم، براه افتاده است.

این پلمیک بدنال و به بهانه تجمع اعتراضی اخیر دانشجویان دانشگاه تهران در ۲۳ اردیبهشت امسال براه افتاد. در این تجمع، دانشجویان دانشگاه تهران در کنار فریاد شعارهایی چون "بیگاری، بیگاری، حجاب زن اجباری"، "پوشش انتخابی حق مسلم ماست"، "آزادی انتخاب حق مسلم ماست" و "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد" پلاکارد یا پلاکاردهایی هم با شعاری تحت عنوان "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد" را هم حمل می‌کردند.

این شعار در نقد مسیح علی‌نژاد هم در طیف "راست در اپوزیسیون" و هم در "چپ در اپوزیسیون" به مباحثات بسیار فراگیر تر از خود این تجمع اعتراضی، سرکوب و حلقه های بعدی پیشروی آن، دامن زده است. مباحثاتی که هرچند در نقطه شروع ممکن است بنظر بر سر یک مسیله "حاشیه ای" صورت گرفته باشد، اما عملاً میدانی باز کرده است که سخنگویان جنبش های مختلف به صراحت و روشنی دورنمای فعالیت هایشان، افق پیروزی از زاویه دیدگاه خود را به اطلاع افکار عمومی برسانند.

این پلمیک، که دیگر مهم نیست از کجا شروع شده است، تا اینجا موجب روشنگری در صف اپوزیسیون راست و چپ جمهوری اسلامی ایران شده است،

که بی تردید میتواند به حلقه های بعدی پیشروی اعتراضات دانشجویی و همه جنبش های اعتراضی در ایران، طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان، بیکاران، دانشجویان، زنان و ... کمک کند.

اما موضوع چه است و چه نیست! دانشجویان در دل اعتراض خود به بیگاری و بیگاری و تبعیض و سرکوب و حجاب و بی حقوقی زن، ضمناً شعاری هم علیه خانم مسیح علینژاد در اپوزیسیون، بعنوان مشاور و کارچاق کن حمایت از طرح تحریم و گسترش فضای جنگی در خاورمیانه، داده بودند. تا به این ترتیب دلالت های تحریم و جنگ در کریدورهای قدرت های ارتجاعی بین المللی و محلی را منزوی کنند.

فریاد های حنجره پاره کن و دهان های کف کرده فعالین راست در فضای میدیای اجتماعی، علیه چپ و کمونیسم و کمونیست ها، موضوع این نوشته نیست. آنها فعالین جنبشی هستند که از دانشجویان دانشگاه تهران تا طبقه کارگر و همه محرومین در ایران با همه نفرت و انزجارشان از جمهوری اسلامی ایران نمی خواهند سرباز بی جیره و مواجب آنها در پروژه های شان، از جمله در پروژه "قنوس" و "فرشگرد" و "جنبش میدان فیروزه ای"، آنها شوند. شانس این فعالین راست، پس از سوختن آن همه پروژه های رنگارنگ که با پول و امکانات عظیم میدیایی توانست تنها چند هفته ای در میدان دوام آورد، در این پلمیک بسیار کم است. کار آنها را حمید تقوایی، در "طیف چپ"، به خوبی انجام میدهد. از این رو، نقد ما به خط فکری تقوایی، بعنوان رهبر "جناح چپ" در جنبش راست است، که بنام کارگر و کمونیسم، فعالیت میکند.

به شعار جنجالی باز گردیم. شعاری که

با هر فرمولبندی که گفته شده باشد، تلاشی رادیکال و انقلابی دال بر آگاهی عمیق، نسب به مخاطرات موجود و جاری در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی و برای عقب زدن یک جنبش معین و معلوم کردن فاصله خود از تحركات چنین اپوزیسیون های مخرب سناریو سیاهی است. دانشجویان ضمن اعلام محکم خواست های مترقی خود، با تحرک جنبشی خواهر "قنوس" و "فرشگرد"، اعلام فاصله کردند. این اعلام فاصله موجب فحاشی فعالین راست شده است و به مذاق حمید تقوایی هم مطلقاً خوش نیامده است.

این شعار نه در مورد حجاب و مسیله زن، چپ و راست در مورد مسیله زن است و نه اساساً علیه جبهه راست و افق راست بطور کلی است! این شعار تحرک معین، ویژه و در جریان، در میان بخشی از راست سناریو سیاهی را هدف اعتراض خود قرار داده است. بخشی که پا به پا و همچون هیئت حاکمه آمریکا، خواهان گسترش تحریم ها و فضای جنگی، (نه الزاماً خود جنگ)، هستند. تحرکی که یک گوشه آن رجوی و مجاهد است، گوشه های دیگر آن باند زحمتکشان و عبدالله مهتدی و دستجات قوم پرست کرد و ترک و بلوچ و عرب و ... جریاناتی که همگی شان چشم به برکات جانبی پروژه های مخرب ترامپ و آقای پمپو و سایر قدرت های مرتجع منطقه دوخته اند. کسانی که بعنوان عناصر ابزاری در اپوزیسیون، در اجرای طرح های مخرب، از یک طرف به عمر رژیم و امکان سرکوب آن می افزایند و از طرف دیگر شرایط سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را مخاطره آمیز میکنند.

آن شعار و خانم علینژاد بهانه ای شد برای آقای تقوایی که این گرایش در

تحركات اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران را به باد حمله بگیرد و حکم صادر کند که: قرار نیست در مبارزات جاری علیه اپوزیسیون کاری کرد و اپوزیسیون اپوزیسیون شد.

تقوایی بحث و ترویج و نقد گرایشات راست بطور کلی، در حجره های ایدئولوژیک سازمانی و در مقالات نشریات را، برای مقابله با راست بطور کلی، مجاز و کافی میداند. او این راه را تنها راه مبارزه با راست، در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی و در جدال بر سر قدرت سیاسی در ایران، اعلام میکند. این جا سنگری است که او میتواند، پشت آن سنگر، خود را چپ و طرفدار کارگر و سوسیالیست و کمونیست خطاب کند. در غیر این صورت در عمل روزمره مبارزاتی اما، همه متحدین هم جنبشی هستند که قرار است تا سرنگونی رژیم همه دست در دست هم، در مسابقه و ماراتون قاپیدن صندلی قدرت سیاسی شرکت کنند. تا سرنگونی رژیم، در عمل روزمره مبارزاتی تفاوتی بین ایشان و خانم ها رجوی و علینژاد و آقای عبدالله مهتدی نیست. همه اپوزیسیون اند!

اپوزیسیون از مجاهد، تا باند زحمتکشان مهتدی، از الاحواز تا سلقی های سنی ضد حکومت شیعه، از شخصیت های پادو و کارچاق کن راست پرو سناریو سیاهی، چون خانم علینژاد که شال و کلاه کرده و جایزه هم گرفته است تا شخصیت چلبی زن در سیر فروپاشی جمهوری اسلامی ایران باشد، را در خود جای میدهد. همه و همه متحد ایشان در مبارزه ضد رژیم و فعال ایشان اند.

تقوایی، خود را پشت علینژاد پنهان میکند تا کسی او و سیاست هایش را نبیند. شعارها بی تقصیراند! او برای



## واقعیات پشت چپ

مقابله با تحركات جاری جنبش‌های ارتجاعی در اپوزیسیون، اساسا دستور کاری ندارد! نه تنها آنها را مضر نمی‌داند که در راستای سرنگونی رژیم مفید هم میدانند! در جبهه نبرد، در خیابان یا کارخانه، محل کار و زندگی و ...

سیاست حزب ایشان اتحاد با همه این‌ها است! مگر نه اینکه این جریان‌ها به اضافه تحركات ترامپ و ضدرژیمی گری ترامپ، "همه رژیم را تضعیف میکنند!"

فرمول: اپوزیسیون اپوزیسیون نباید شد، است! همانطور که در تحركات الاحواز و هخا و جنبش سبز، در "مسابقه" و "ماراتون" برای رهبری جنبش‌های قومی و "رای من کو"، با موسوی و قوم پرستان کشتی نمی‌گرفت، بلکه در مسابقه آکسیون بیشتر برای رسیدن به اول خط آن جنبش‌ها، فعالانه شرکت داشت.

صورت مسیله تقوایی در این پلمیک، علینژاد نیست. صورت مسیله این است که "اپوزیسیون من" نشوید! چرا که "من هم جنبشی" آن تحرکی هستم که شما چپ‌های "فرقه ای" و "ایدئولوژیک" و "پروحکومتی" مشغول

عقب زدن اش در مبارزه زنده و روی زمین سفت هستید! این واقعیت است که او را چنان ملتهب به میدان کشانده است. نه آن شعار چنان تاثیرات معجزه‌آسایی داشت و نه گردی بر دامان خانم علینژاد نشسته است.

این تعرض تقوایی، بیش از همه دفاع از خود است تا از هیچ کس و هیچ جنبش دیگری! آن شعار پنهان و هدف دفاع از یک سیاست منسجم و در جریانی است که بنام کارگر و کمونیسم، رویکرد معینی در اپوزیسیون را نمایندگی میکند. رویکردی که متحد آن اپوزیسیون‌های راستی است که زیر ضرب رفته اند، تا دانشجوی چپ و رادیکالی که در نبرد روی زمین سفت، تلاش میکند که ارتجاع معین و فعال در صحنه ای را عقب بزند.

قالب کردن "سیاست همه با هم تا سرنگونی رژیم"، قالب کردن سیاست "مسابقه فعالیت آکسیونی" بیشتر و بیشتر در هر جنبشی در اپوزیسیون، ارتجاعی یا غیر ارتجاعی، بنام یک سیاست کارگری و کمونیستی، نقد تقوایی را ملزم میکند. اگر دانش آموختگان مکتب "دشمن دشمن دوست است"، بخواهند تاریخ مبارزه طبقاتی در جوامع بشری از ابتدا

تا به امروز را بنویسند، بی تردید مناسب ترین، برجسته ترین و منسجم ترین رهبر آن حمید تقوایی است که بنام منفعت کارگر و کمونیسم بجنل ترین نظریه های پاخورده دوران را بطور منسجم و آگاهانه، تولید میکند.

برای چپ، کمونیسم و رادیکالیسم در اپوزیسیون، که تنها و تنها با قدرت سازمان و سیاست رادیکال و جنگ های هر روزه در جبهه های متعدد و در مبارزات و اعتراضات جاری، شانس قدرتمند شدن و بسیج توده ای دارد، خط تقوایی سیاست مخربی است. باید از آنجا که به نام کارگر و کمونیسم تولید میشود، آن را افشا کرد.

اگر در مبارزه علیه دیکتاتوری سلطنتی، آگاهگری و نقد و شعار علیه ارتجاع اسلامی، که اساسا صورت نمی‌گرفت، غلط بود، نقد اپوزیسیون‌های ارتجاعی قومی و مذهبی و ناتوی هم، امروز غلط است. دانشجویان پیشرو و آزادیخواه، همچون همه مردم مترقی و آزادیخواه مخالف همه قطب‌های ارتجاع، نه تنها حق دارند که موظف و ملزم اند که در مقابل اپوزیسیون‌های ارتجاعی، آگاهگری، افشاگری و مقابله کنند. این شرط پیشبرد حرکت

آزادیخواهانه علیه سرکوب تبعیض و استثمار و نابرابری است.

موضع حمید تقوایی در مورد اعتراضات در دانشگاه تهران، باز هم به روشنی و صراحت هم خانواده بودن سیاسی او با علینژاد، بعنوان مشاور و کارچاق کن طرح تحریم و گسترش فضای جنگی در خاورمیانه را، نشان می‌دهد.

استفاده از فرصت‌ها، از جمله فرصت ای که ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا با جنگ افروزی و تخریب جوامع ایجاد می‌کند، استفاده از فرصتی که دستجات قوم پرست ایجاد می‌کنند، موسوی و سبز ایجاد می‌کنند، به امید اینکه در سیر سرنگونی و تلاشی جمهوری اسلامی ایشان در صف کاندیدا های هر رژیم چینج و دست بدست شدن قدرت باشند، همه پلاتفرم سیاسی این رهبر اپورتونیست و بی‌افق چپ دنباله رو و بورژوایی است. هیچ کمونیست و سوسیالیستی با هیچ توجیهی نباید او را در مبارزات کارگری و کمونیستی، جدی بگیرد.

۲۶ مه ۲۰۱۹

**مبارزه ما برای برابری و دفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.**

نشریه هفتگی  
حزب حکمتیست (خط رسمی)  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبداللهی  
[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تلگرام حزب  
[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی  
[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

مسول تشکیلات خارج کشور حزب:  
امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر

سخنران: خالد حاج محمدی  
عموان سخنرانی: منصور حکمت، سرنگونی و انقلاب

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

تلفن تماس: ۰۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

به مناسبت بزرگداشت هفته منصور حکمت

محمد راستی: جنگ و تئوری، جنگ از دیدگاه

منصور حکمت

سهند حسینی: کارگران و انقلاب

جمعه ۷ ژوئن ساعت ۱۸

در آلتروفیرواخه

تشکیلات آلمان واحد (کلن) / حزب حکمتیست (خط رسمی)

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

سایت آرشیو  
مجموعه آثار  
منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net/>

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

مرکز بر جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم